

ارائه راهکارهایی برای چگونگی تشکیل یک ارتش اخلاقی پراگماتیستی در جامعه توسط دانشگاه‌ها با استفاده از نظریه دئونتولوژی در اخلاق

جعفر گل محمدی*^۱ و صدف توتونچی^۲

چکیده

ارتش نامی است که برای مردم هر کشور، تداعی‌کننده‌ی آرامش و امنیت است اما آیا ارتش تنها از افراد نظامی تشکیل می‌شود که در جنگ‌ها مسئولیت دفاع از مردم را بر عهده‌دارند؟ در این پژوهش تلاش می‌شود که به معرفی یک ارتش اخلاقی غیرنظامی پرداخته شود که هر نهاد آموزشی بتواند آن را با پرورش افرادی که تابع اخلاق حرفه‌ای هستند برای جامعه بسازد. پرورش چنین افرادی امری جدید نیست، چراکه از سال‌ها پیش مراکز اخلاقی در دانشگاه‌های برتر جهان با این هدف شکل گرفته‌اند. این پژوهش در تلاش است که با بررسی ارتباط سه نظریه‌ی اخلاق دئونتولوژیک^۳، اخلاق پراگماتیستی^۴ و اخلاق آموزشی و با استفاده از تحلیل محتوای آن‌ها و بررسی برخی از فعالیت‌های دانشگاه‌های برتر جهان در زمینه‌ی گسترش اخلاق حرفه‌ای، راهکارهایی را جهت پرورش چنین ارتشی که وظیفه‌ی هر دانشگاه اخلاق مدار است، ارائه دهد. باید به خاطر داشت که گرد هم آوردن ارتشی که توانایی ساخت اخلاق و مبارزه با تعارض‌های اخلاقی موجود در جهان را داشته باشد هم نیازمند آموزشی سرشار از مهربانی است و هم نیازمند پرورشی ریزبینانه و مصمم.

کلیدواژه‌ها: ارتش اخلاقی، اخلاق پراگماتیستی، اخلاق دئونتولوژیک، اخلاق آموزشی، دانشگاه اخلاق مدار، راهکار

^۱ نویسنده مسئول: استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، رایانامه: gmohamad@ut.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار گرایش بازاریابی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران.

^۳ Deontological ethics

^۴ Pragmatic ethics

مقدمه

قضاوت عادلانه را بی‌شک می‌توان یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین معیارهای رشد و سعادت در هر جامعه دانست، اما آیا قضاوت تنها در دادگاه است؟ آیا لازمه‌ی قضاوت تنها قسم خوردن به کتاب آسمانی و دانستن قوانین کشوری است؟ آیا یک دانشجوی نباید خود را به‌درستی قضاوت کند؟ آیا یک استاد نباید خود و دانشجویش را عادلانه قضاوت کند؟ و آیا یک دانشگاه مسئولیت اخلاقی قضاوت دانشجویان خود پیش از فرستادن آن‌ها به جامعه را بر عهده ندارد؟ تصور کنید که دانشگاهی مسئولیت خود را به‌درستی انجام نداده است و دانشجویان خود را پیش از آنکه راهی جهان واقعی کار کند، به‌درستی قضاوت نکرده باشد و آن‌ها اکنون با مدرکی که از آن دانشگاه در دست دارند و با اعتباری که آن مکان به آن‌ها بخشیده است در جامعه مشغول به کار می‌شوند اما آن افراد تنها یک کاغذ با خود به همراه آورده‌اند، کاغذی که آن را با تقلب در امتحان، خرید پروژه، فریب اساتید و همچنین ترفندهای دیگری که تمامی افرادی که چند سالی را در دانشگاه سپری کرده باشند با آن آشنا هستند، به دست آورده‌اند اما امروز آن‌ها دیگر در دانشگاه نیستند و اکنون در جهانی واقعی، در جامعه‌ای واقعی و برای انسان‌هایی واقعی کار می‌کند. یک مهندس، یک نانوا، یک پزشک، یک نهبان، یک مدیر، یک معلم و هر انسانی که در هر حرفه‌ای خود را متخصص می‌داند، در برابر تمامی افراد یک جامعه متعهد است و باید بتواند که با تخصص خود از مردم آن جامعه دفاع کند. تفاوتی ندارد که آن فرد به دانشگاه رفته است یا خیر زیرا آن فرد متعهد است همان‌طور که یک دانشگاه نیز در قبال انسان‌ها تعهد دارد که افرادی با تخصصی واقعی را به جامعه وارد کند، نه افرادی که به‌جای خدمت برای یک جامعه خطرآفرین می‌باشند؛ اما یک سؤال در اینجا مطرح است و آن این است که مقصر چه کسی است و راه‌حل چیست؟ شاید در نگاه اول همه بگویند مقصر آن شخص بی‌مسئولیت است اما بگذارید نگاه اول را فراموش کرده و به زمان نگاه صفر بازگردیم، زیرا شاید در آن زمان فرصت توقف بسیاری از اتفاق‌ها وجود داشته باشد. در مقصر بودن آن فرد هیچ تردیدی نیست. جامعه همواره پر از انسان‌های راحت‌طلب، سودجو و غیر متعهد است اما این وظیفه‌ی چه کسی است که آن‌ها را کنترل کرده، متوقف نماید و یا رفتار صحیح را به آن‌ها آموزش دهد؟ آیا این وظیفه‌ی استادی که به آن فرد نمره‌ی قبولی را می‌دهد نیست؟ آیا این وظیفه‌ی دانشگاهی که آن مدرک را به او می‌دهد نیست؟ همان‌طور که یک قاضی نباید یک مجرم را که می‌تواند به جامعه و افراد آن آسیب رساند رها کند، آیا این وظیفه‌ی اخلاقی

آن دانشگاه و اساتید آن نیست که به‌درستی دانشجویان خود را قضاوت کرده و از ورود افراد خائن به جامعه بپرهیزند؟ چرا که خیانت همیشه در افشای اسرار محرمانه‌ی کشور و یا سرقت ثروت ملی نیست و فردی که برای تفریح خود و تنها برای سودجویی شخصی و دریافت یک مدرک به دانشگاه آمده است و می‌خواهد در جهان واقعی یک کار واقعی را بدون داشتن تخصص به دست آورد نیز یک خائن است. او بسیار خطرناک است زیرا می‌تواند جامعه را به نابودی بکشد و همان میوه‌ی فاسدی است که بسیاری را با خود فاسد می‌کند. او وجدان ندارد و وجدان نیز او را باور ندارد. در میان این مباحث بی‌شک این مطلب مطرح می‌شود که قضاوت اخلاقی درست سخت است. برای مثال آن دانشگاه فرضی ممکن است ادعا کند که دانشجویان همواره در طول تاریخ تقلب کرده و خواهند کرد. آن‌ها همواره اساتید خود را فریب داده و خواهند داد اما اگر دانشگاهی با این پاسخ‌ها سعی در توجیه اشتباهات خود دارد، بی‌شک راهی اشتباه را در پیش گرفته است زیرا این مسئولیت یک دانشگاه اخلاق مدار است که با گزینش افرادی صحیح و آموزش حرفه و اخلاق حرفه‌ای به آن‌ها و همچنین با آشنا کردن آن‌ها با تعارض‌های اخلاقی موجود در جهان امروز، آن‌ها را به افرادی متعهد و کوشا تبدیل کند و تا پیش از اطمینان از آمادگی دانشجویان و دانش‌آموختگان خود برای خدمت به جامعه به آن‌ها اجازه‌ی خروج از دانشگاه و ورود به جامعه را ندهد. در این راستا این پژوهش سه هدف اصلی را دنبال می‌کند که به شرح زیر است. ۱. بررسی ارتباط سه نظریه‌ی اخلاق دئونتولوژیک، اخلاق پراگماتیستی و اخلاق آموزشی در جهت استفاده از آن‌ها در جهت بهبود یک دانشگاه اخلاق مدار. ۲. بررسی سه مورد از مراکز اخلاقی موجود در دانشگاه‌های برتر جهان در جهت آشنایی با نمونه‌هایی از فعالیت‌های آن‌ها جهت ارتقاء سطح اخلاق حرفه‌ای. ۳. ارائه‌ی راهکارهایی با توجه به نتایج حاصل از بررسی ارتباط نظریه‌های مشهور اخلاقی شناخته‌شده و همچنین نتایج حاصل از بررسی نمونه‌هایی از فعالیت‌های اخلاقی دانشگاه‌های مشهور جهان در این راستا که دانشگاه و اساتید آن بتوانند سربازانی اخلاق مدار و متعهد را به جامعه تقدیم کنند که ارتشی را برای نجات جامعه بسازند، ارتشی اخلاق مدار با هدف تعالی جامعه...

اخلاق دئونتولوژیک

در فلسفه‌ی اخلاقی، اخلاق دئونتولوژیک یک نظریه‌ی اخلاق هنجاری است که اخلاقی بودن یک عمل را بر اساس درست یا غلط بودن آن بر اساس یک سری قوانین به‌جای بررسی عواقب آن می‌سنجد. گاهی اوقات دئونتولوژی اخلاقی، اخلاق مبتنی بر وظیفه، تعهد یا قاعده نیز توصیف می‌شود. (والر، ۲۰۰۵). اخلاق دئونتولوژیک معمولاً در مقابل نتیجه‌گرایی (فلو، ۱۹۷۹)، فضیلت اخلاقی و اخلاق پراگماتیستی قرار می‌گیرد. امانوئل کانت یکی از افرادی است که برای اولین بار این اصطلاح را عنوان کرد. نظریه‌ی اخلاق امانوئل کانت^۱ به چند دلیل مختلف از نظریه‌های اخلاق دئونتولوژیک در نظر گرفته می‌شود (اورند، ۲۰۰۰ و کلی، ۲۰۰۶). در ابتدا اینکه کانت استدلال می‌کند که افراد برای اینکه بتوانند از نظر اخلاقی درست رفتار کنند، باید به وظیفه‌ی خود عمل کنند (کانت، ۱۷۹۷) و دوم این که کانت استدلال کرد که پیامدهای اعمال نیست که باعث درست یا غلط بودن آن‌ها می‌شود، بلکه انگیزه‌های شخصی که این عمل را انجام می‌دهد مشخص‌کننده‌ی آن است. همچنین کانت استدلال می‌کند که نمی‌توان از عواقب یک عمل در جهت تعیین اراده‌ی خوب یک شخص استفاده کرد زیرا عواقب خوب می‌تواند به‌طور اتفاقی ناشی از عملی باشد که ناشی از تمایل به آسیب رساندن به یک فرد بی‌گناه است و عواقب بد می‌تواند ناشی از عملی با انگیزه‌ی خوب باشد. در عوض او ادعا می‌کند شخصی که اراده‌ی خوب دارد با احترام به قانون، اخلاقی عمل می‌کند (کانت، ۱۷۸۵). بوچنسکی^۲ بین اقتدار دئونتولوژی و معرفت تمایز قائل می‌شود (بوچنسکی، ۱۹۶۵). یک نمونه‌ی معمول از اقتدار معرفتی در استفاده بوچنسکی رابطه معلم با شاگردانش خواهد بود زیرا معلم جملاتی را بیان می‌کند که دانش‌آموز فرض می‌کند دانشی قابل‌اعتماد و مناسب است و دارای معرفتی قوی است اما هیچ‌گونه تعهدی در قبال اطاعت و پذیرش مسئولیتی در برابر آن دانش احساس نمی‌کند. یک مثال دیگر از اختیارات دئونتولوژیک نیز رابطه‌ی بین کارفرما و کارمند او خواهد بود. برای مثال یک کارفرما در امر صدور دستوری نامناسبی اختیار دارد و آن کارمند موظف است که آن دستور را بپذیرد و از آن اطاعت کند

¹ Immanuel Kant

² Jozef Maria Bochenski

بدون در نظر گرفتن میزان قابلیت اطمینان یا مناسب بودن آن (بrazak، ۲۰۱۳). اسکراتون^۱، در کتاب خود در مورد طبیعت انسانی از نتیجه‌گرایی و نظریه‌های اخلاقی مشابه، مانند لذت‌جویی و سودگرایی انتقاد کرده و در عوض پیشنهاد یک رویکرد اخلاقی دئونتولوژیکی را می‌دهد. او اشاره می‌کند که وظیفه و تعهد متناسب، اجزای اساسی برای یک تصمیم‌گیری مناسب هستند و او از این قانون طبیعی در برابر نظریه‌های مخالف دفاع می‌کند. وی همچنین نظریه‌ی فضیلت در اخلاق را تحسین می‌کند و معتقد است که این دو نظریه‌ی اخلاقی که اغلب در کنار یکدیگر ترسیم می‌شوند، از یکدیگر جدا نیستند (اسکراتون، ۲۰۱۷).

اخلاق پراگماتیستی

پراگماتیسم یا عمل‌گرایی سنتی فلسفه‌ای است که در ایالات متحده‌ی آمریکا در سال ۱۸۷۰ آغاز شد. این نظریه یک نظریه‌ی اخلاق فلسفی هنجاری است. عمل‌گرایان اخلاقی فکر می‌کنند که هنجارها، اصول و معیارهای اخلاقی در نتیجه‌ی تحقق آن‌ها بهبود می‌یابند. با هدف نوآوری اجتماعی، اخلاق عمل‌گرایانه از کامل‌ترین رویکردهای هنجاری که جان استوارت میل^۲ آن را آزمایش‌های زندگی نامیده است (میل، ۱۸۶۳). طبق گفته‌های لافولت^۳، اخلاق پراگماتیستی با سایر رویکردهای هنجاری متفاوت است و در مرکز آن به‌جای موجودات منفرد، بر جامعه به‌عنوان موجودی که به اخلاق دست می‌یابد، تمرکز می‌شود (لافولت، ۲۰۰۰). به گفته دیویی^۴، همه رفتارها اجتماعی هستند (دیویی، ۱۹۲۲). برخی معتقدند که اخلاق پراگماتیستی ممکن است به‌عنوان یک نظریه‌ی نسبی‌گرا درک شود زیرا نمی‌تواند همیشه عینی باشد اما پراگماتیست‌ها با این انتقاد مخالفت می‌کنند و می‌گویند که می‌توان همین حرف را در مورد علم نیز زد اما باین‌وجود علم استقرایی معیار معرفت‌شناختی ما است. عمل‌گرایان اخلاقی بر این عقیده می‌باشند که تلاش آن‌ها عینی است به این دلیل که در جهت رسیدن به چیزی عینی است (آلدر، ۱۹۸۳)^۵.

¹ Roger Scruton

² John Stuart Mill

³ Hugh LaFollette

⁴ John Dewey

⁵ Wikipedia

آموزش اخلاقی

در عصر حاضر، اخلاق در تمامی زمینه‌های زندگی جایگاه مهمی دارد. اخلاق همچنین در زمینه‌ی آموزش نیز از جایگاه پراهمیتی برخوردار است، زیرا آموزش فرآیند اساسی زندگی بشر است. برای درک اهمیت اخلاق، بایستی آن را به‌عنوان یک دوره‌ی درسی در نظام آموزشی قرارداد و برای این کار لازم است که در ابتدا تعریف شود که اصول اخلاقی چیست و آموزش چیست. در یونان باستان برخی از نظرات فیلسوفان درباره آموزش مانند سقراط، افلاطون و ارسطو به توسعه‌ی سیستم آموزشی فعلی ما کمک می‌کند. به‌طور کلی، همه‌ی آن‌ها معتقدند که هدف از آموزش این است که بشریت را بهبود بخشند. روش آموزش سقراط هنوز در روش‌های نوین آموزشی استفاده می‌شود. در این روش، معلمان از برخی دانشجویان و دانش‌آموزان سؤالاتی را برای بهبود توانایی‌های فکری آن‌ها می‌کنند. نظریه‌های آموزشی امروز مبتنی بر فلسفه‌ی این فلاسفه است. افلاطون که بنیان‌گذار ایدئالیسم بود، بیان می‌کرد که هدف از آموزش، پرورش توانایی‌های فردی برای این است که بتوانیم بهتر به جامعه خدمت کنیم. از طرف دیگر، ارسطو که پدر واقع‌گرایی بود اعتقاد داشت که فرد تحصیل کرده، فردی کامل است. وی از آموزش نظری، عملی و فنی دفاع می‌کرد زیرا آموزش به پیشرفت قوای بدنی و ذهنی کمک می‌کند. در یونان باستان، آموزش به‌عنوان تابعی از دولت دیده می‌شد و هدف از آن خدمت به اهداف دولت بود. امروزه نیز آموزش به نیازهای دولت، جامعه و شهروندان پاسخ می‌دهد؛ بنابراین، آموزش برای ما مهم است زیرا برای انسان‌ها شخصیت ایجاد می‌کند، به آن‌ها دانش می‌دهد و به پیشرفت دولت کمک می‌کند (گولکان، ۲۰۱۴). در دانشگاه آموزش اخلاق باید با استفاده از اخلاق حرفه‌ای باشد. این نوع آموزش اخلاقی به دانشجویان این درک را می‌دهد که چه چیزی در کار آن‌ها درست است. می‌توان ادعا کرد که اخلاق به عمل‌گرایی مربوط است زیرا شما می‌توانید به‌راحتی هنجارها را آموزش دهید اما نمی‌توانید به‌راحتی اطاعت از این قوانین را آموزش دهید مگر اینکه اصول اخلاقی را آموزش دهید؛ بنابراین آموزش اخلاق از اهمیت و ضروری‌تری در آموزش برخوردار است. دانشجویانی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند ممکن است در مشاغل خود افراد فرهیخته‌ای باشند اما این مطلب به‌تنهایی کافی نیست. همان‌طور که ارسطو می‌گوید، آموزش ذهن بدون آموزش قلب اصلاً تعلیم نیست (گولکان، ۲۰۱۴).

مراکز اخلاقی دانشگاه‌های مشهور دنیا

مرکز خانواده مک کوی برای اخلاق در جامعه^۱-دانشگاه استنفورد

رتبه‌بندی QS^۲ دانشگاه استنفورد را به‌عنوان دومین دانشگاه برتر جهان در سال ۲۰۲۰ معرفی کرده است و موسسه‌ی اخلاق مرکز خانواده مک کوی برای اخلاق در جامعه در این دانشگاه قرار دارد. این مرکز خود را متعهد می‌داند که با تحقیق، تدریس و مشارکت جامعه‌ی هدف خود را مبتنی بر رفع مشکلات مهم اخلاقی اجتماع تحقق بخشد. با بهره‌گیری از نقاط قوت دانشکده میان‌رشته‌ای استنفورد، این مرکز ابتکاراتی را با ابعاد اخلاقی مختلف ایجاد می‌کند که مربوط به جمع‌بندی مشکلات عمومی است. این مرکز که پلی به‌سوی جامعه‌ی تخصصی استنفورد است، علاوه بر این اقدامات، برنامه‌های کارشناسی اخلاق در جامعه را نیز در خود جای داده است که از جمله فعالیت‌های آن می‌توان به این موارد اشاره کرد. ۱. رویدادهای عمومی، از جمله سخنرانی‌ها ۲. برنامه‌ای درزمینه‌ی فرصت‌یادگیری در مقطع فوق دکترا برای ارتقا سطح آموزش و تحقیق درزمینه‌ی اخلاق در جامعه ۳. یک برنامه‌ی کارشناسی که از گزینه‌ی پایان‌نامه‌ی افتخاری و فرصت برای مطالعه در باب اخلاق در جامعه برای دانشجویان هر رشته پشتیبانی می‌کند ۴. کنفرانس‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی با مشارکت سایر بخش‌ها در سراسر دانشگاه ۵. تدوین برنامه‌ی درسی پیرامون نیاز گسترده به استدلال اخلاق کارشناسی شده ۶. برنامه‌ی محققان برای خانه امید^۳ که در آن اعضای هیئت‌علمی استنفورد، افراد فوق دکترا یا دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دوره‌ای را در ارتباط با علوم انسانی به ساکنان خانه امید که یک مرکز درمان دارویی و ترک الکل برای زنانی است که بسیاری از آن‌ها اخیراً زندانی شده‌اند، ارائه می‌دهند و ۷. وبلاگ باز^۴، که شامل صدای دانشجویان استنفورد و نویسندگان مستقل درباره اتفاقات مرکز اخلاق است.^۵

^۱ McCoy Family Center for Ethics in Society

^۲ QS World University Rankings

^۳ Hope House

^۴ Buzz

^۵ <https://ethicsinsociety.stanford.edu/-McCoy-Family-Center-for-ethics-in-society>

مرکز اخلاق /ادموند جی سافرا^۱-دانشگاه هاروارد

دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۲۰ به‌عنوان سومین دانشگاه برتر جهان در رتبه‌بندی QS قرار دارد و مرکز اخلاق ادموند جی سافرا یک مرکز تحقیقاتی در این دانشگاه است که هدف اصلی آن پیشبرد آموزش و تحقیق در مورد مسائل اخلاقی در زندگی عمومی است. این مرکز توسط دنیس تامپسون به‌عنوان برنامه‌ی اخلاق و مشاغل در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد و از کار بیش از ۸۰۰ نفر از همکاران و دانش‌پژوهان بازدیدکننده که بسیاری از آن‌ها یک سال یا بیشتر را در مرکز گذرانده‌اند، پشتیبانی کرده است (گادریس، ۲۰۰۷). افراد مرکز شامل اساتید، دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی، روزنامه‌نگاران، پزشکان، و کلا، روانشناسان و افراد مؤسسات آموزشی و دولتی در ایالات‌متحده و سراسر جهان هستند. این مرکز، نظریه یا برداشت خاصی از اخلاق را ترویج نمی‌کند بلکه به مطالعه‌ی دقیق مسائل اخلاقی دشوار که به تحقیقات تجربی و تجزیه‌وتحلیل فلسفی نیاز دارد پرداخته و افراد را به سمت آن تشویق می‌کند. درک بوک^۲، رئیس اسبق دانشگاه هاروارد، استدلال کرده است که امروزه نیاز مبرمی به دوره‌های مسئله‌گرا در اخلاق وجود دارد که دانشجویان را برای معضله‌های اخلاقی و تصمیمات اخلاقی که در طول زندگی حرفه‌ای خود با آن‌ها روبرو می‌شوند، آماده کند (بوک، ۱۹۷۶). با حمایت دانشکده‌های اصلی و چندین نفر از رؤسای آن زمان، این مرکز برنامه‌ای را تحت عنوان برنامه‌ی اخلاق و حرفه‌ها ایجاد کرد. این اولین اقدام مهم بین دانشکده‌های هاروارد بود.^۳ در طول سال‌ها، این مرکز یک جامعه‌ی فکری در هاروارد ایجاد کرده است که در آن محققان و دانشجویان اخلاق از سراسر جهان برای تبادل نظر و توسعه‌ی دوره‌های جدید، پیگیری تحقیق و ایجاد برنامه‌های مشابه در مناطق دیگر، جمع می‌شوند.^۴ بوک در مورد این مرکز پس از ۲۰ سال اظهار داشت: "یکی از بهترین تحولات جدید در آموزش حرفه‌ای،

¹ Edmond J. Safra Center for Ethics

² Derek Bok

³ Wikipedia

⁴ <https://ethics.harvard.edu/>

علاقه‌ی گسترده و رو به رشد برای حل مشکلات اخلاقی است. مرکز هاروارد در این تلاش نقش بسزایی داشت و حتی از حد انتظارات خوش‌بینانه من نیز فراتر رفته است.^۱

بنیاد اخلاق و آموزش اوهیرو^۲-دانشگاه آکسفورد

بر اساس رتبه‌بندی QS در سال ۲۰۲۰ دانشگاه آکسفورد دارای رتبه‌ی چهارم در میان برترین دانشگاه‌های دنیا است و مرکز اخلاق بنیاد اخلاق و آموزش اوهیرو در این دانشگاه قرار دارد. هدف این مرکز تشویق و حمایت از بحث و تفکر عمیق‌تر در زمینه‌ی اخلاق عملی است. این مرکز به‌عنوان یک مرکز جامع، فلسفه، رویکرد، راه‌حل یا دیدگاه خاصی را ترویج نمی‌کند، اگرچه اعضای منفرد آن ممکن است یک نتیجه‌گیری اساسی را به‌عنوان مبنای گفتگو، تعامل و تأمل ارائه دهند. چشم‌انداز در این مرکز سقراطی است و مبلغ گونه نیست. آن‌ها به دنبال فراگیر کردن و تشویق بحث بین رویکردهای مختلف اخلاق با هدف حل اختلافات و شناسایی زمینه‌های اصلی موجود می‌باشند. این مرکز بر این اعتقاد است که اخلاق عملی نه تنها دانش را با تأمل و گفتگوی عمیق و منطقی اخلاقی پیش می‌برد، بلکه باید قلب مردم را تغییر دهد و زندگی خود و دیگران را بهبود بخشد. آن‌ها بر این اعتقادند که بشریت شکوفا شده و سیاره خود را دگرگون کرده است و فناوری بسیار قدرتمندتری را ایجاد کرده است که دارای پتانسیل بی‌سابقه‌ای برای منافع بسیار عالی و درعین حال برای آسیب‌هایی نهان است. آن موفقیت‌ها مشکلات و چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند که نهادها و هنجارهای سنتی در آن توسعه نیافته است. تغییر آب‌وهوا، تخریب محیط‌زیست، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، نابرابری جهانی و فقر، مهاجرت بین‌قاره‌ای و چند فرهنگی، استفاده‌ی بیش‌ازحد از آنتی‌بیوتیک‌ها در گستره‌ی جهان، گسترده شدن بیماری‌های عفونی، مهندسی ژنتیک و وسایل زیست پزشکی برای افزایش زندگی و تقویت شناختی و اخلاقی و هوش مصنوعی از آن نمونه‌اند. این مرکز معتقد است که سرنوشت بشریت در قرن بیست و یکم و قرن‌های بعدی بیش از هر زمان دیگری با انتخاب‌های بشر، رهبران و شهروندان ملت‌ها تعیین می‌شود. ارزش‌ها، قواعد و اصول اخلاقی گسترده‌تر این افراد است که انتخاب آن‌ها را تعیین می‌کند. هدف این موسسه

¹ Wikipedia

² Uehiro Foundation on Ethics and Education

این است که اخلاق عمل‌گرا را برای توسعه و هدایت مؤثرتر انتخاب‌های صحیح انسان توانمندتر کند.^۱

روشن‌شناسی

در این پژوهش تلاش شده است که با استفاده از مطالعات صورت گرفته در پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا در حیطه‌ی نظریه‌های اخلاقی تا این زمان، ارتباط نظریه‌ی دئونتولوژی در اخلاق را با نظریه‌ی اخلاق پراگماتیستی و برنامه‌های آموزش اخلاقی ترکیب کرده و با مشاهده‌ی نتایج حاصل از بررسی‌های سه مرکز بزرگ اخلاقی موجود در دانشگاه‌های مشهور استنفورد، هاروارد و آکسفورد در ارتباط با اهداف، زمینه‌های مطالعاتی، دوره‌های برگزار شده و فعالیت‌های دیگر مرتبط با ترویج اخلاق به ماهیت آن مراکز دست‌یابیم تا بتوانیم با تحلیل این موارد راهکارهایی قاطع را جهت تشکیل و بهبود یک دانشگاه اخلاق مدار و برنامه‌های آموزش اخلاقی آن ارائه دهیم. در این راستا تلاش می‌کنیم که نکات کلیدی استخراج‌شده در چهار زمینه‌ی مورد بررسی را تحت کدگذاری‌های مجزایی در بخش نتیجه‌گیری عنوان کرده و سپس با ترکیب آن کدها به مقوله‌های محوری پژوهش که ارائه‌ی راهکارهایی مناسب برای ایجاد یک ارتش غیرنظامی حامی جامعه توسط دانشگاه است، دست‌یابیم. همچنین در جهت اثبات روایی این پژوهش تلاش کرده‌ایم که از مباحث دستیابی به هدف، تغییر و رشد که سه مورد از پنج مورد اثبات روایی دوبرمن است استفاده کرده و در راستای اثبات پایایی از شیوه‌ی تثلیث به معنای طبقه‌بندی و کدگذاری مناسب، کنترل به‌وسیله‌ی مشارکت‌کننده و کنترل منابع استفاده نماییم.

نتایج

در این قسمت یافته‌های حاصل از چهار بخش مورد بررسی در پژوهش به‌صورت کدگذاری‌های مجزایی نمایش داده شده است تا در نهایت با ترکیب آن‌ها به نتیجه‌گیری نهایی بپردازیم. در ارتباط با نظریه‌ی اخلاق دئونتولوژیک سه کد اصلی از یافته‌های پژوهش استخراج شده است.

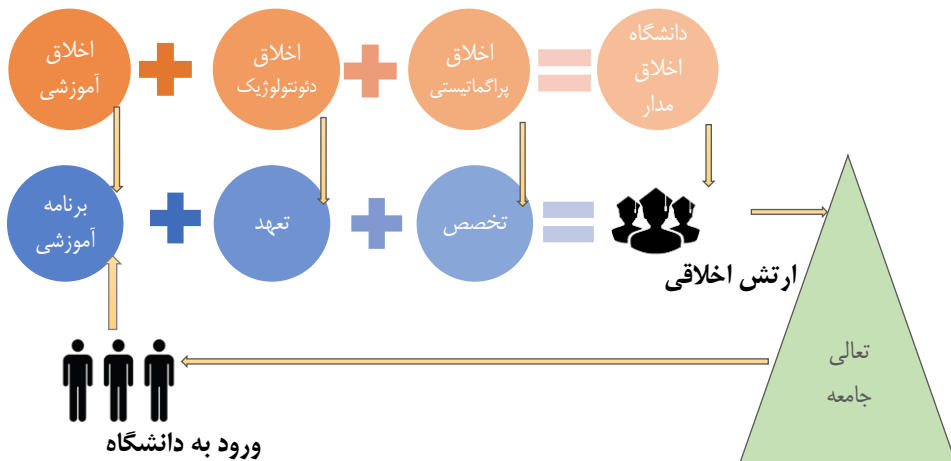
¹ <https://www.practicaethics.ox.ac.uk> - The Oxford Uehiro Centre for Practical Ethics

۱. این نظریه زیرشاخه‌ی اخلاق هنجاری است. ۲. این نظریه بر پایه‌ی تعهد، مسئولیت‌پذیری و پیروی از قوانین بنیان شده است. ۳. هدف از این نظریه تلاش برای انجام کار و انتخابی صحیح با توجه به اصول اخلاقی و قوانین است. با بررسی نظریه‌ی اخلاق پراگماتیستی سه کد اصلی از یافته‌های پژوهش استخراج شده است. ۱. این نظریه از زیرشاخه‌های اخلاق هنجاری است. ۲. این نظریه بر پایه‌ی عمل‌گرایی، هدف‌گرایی و تخصص‌گرایی بنیان شده است. ۳. هدف از تلاش و عمل مورد تأکید در این نظریه بهبود نظام اجتماعی است. از یافته‌های مربوط به نظریه‌ی اخلاق آموزش نیز سه کد اصلی استخراج شده است. ۱. این نظریه از زیرشاخه‌های اخلاق هنجاری است. ۲. این نظریه بر پایه‌ی تدوین برنامه‌های مناسب جهت بهبود نظام آموزشی بنا شده است. ۳. هدف اصلی در این نظریه آموزش و پرورش اخلاق درونی، اخلاق حرفه‌ای و تخصص به دانشجویان در جهت آمادگی آن‌ها برای خدمت در جهت بهبود جامعه است. یافته‌های حاصل از مراکز اخلاقی برتر جهان نیز سه کد را در اختیار ما قرار داده است. ۱. هر سه مرکز اخلاقی مورد بررسی دارای برنامه و فعالیت‌های بسیار متنوع نظری و عملی در جهت آموزش و توسعه‌ی اخلاق در جامعه می‌باشند. ۲. هر سه مرکز اخلاقی مورد بررسی از شیوه‌های مشارکت افراد و شیوه‌های سقراطی برای به ثمر رساندن فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند. ۳. هدف اصلی در هر سه مرکز اخلاقی مورد بررسی مبارزه با تعارض‌های اخلاقی موجود در جهان و تعالی و بهبود جامعه است. با ترکیب ۱۲ کد به دست آمده در ارتباط با نظریه‌های اخلاقی مختلف و همچنین مراکز اخلاقی برتر دانشگاه‌های برجسته‌ی جهان، این نتیجه حاصل شد که ایجاد یک دانشگاه اخلاق مدار را می‌توان به‌طور قطع زیرشاخه‌ای از مسائل مربوط به اخلاق هنجاری دانست زیرا تلاش برای بهبود یک جامعه و انجام اقدام صحیح هدف اصلی هر نهاد آموزشی و هر سه نظریه‌ی اخلاقی مورد بررسی است و در این راستا افراد پرورش داده شده توسط این مراکز باید افرادی متعهد، دارای وجدان و تابع اخلاق دئونولوژیک و همچنین افرادی متخصص، عمل‌گرا و تابع اخلاق پراگماتیستی باشند. لازم به ذکر است که برخلاف اختلاف‌های نظری که گاهی در بیان این دو نظریه‌ی اخلاقی وجود دارد، تعهد بدون تخصص و یا تخصص بدون تعهد در ایجاد یک دانشگاه اخلاق مدار امکان‌پذیر نیست و وجود هر دو نظریه در کنار نظریه‌ی آموزش اخلاقی الزامی بوده و به معنای پرورش یک ارتش اخلاقی پراگماتیستی تابع دئونولوژی اخلاقی در جامعه است. افرادی متخصص، متعهد و البته دارای وجدانی عمیق که دانشگاه را پایگاهی جهت آموزش راه‌های

مبارزه با تعارض‌های اخلاقی دانسته و خود را ارتشی می‌دانند که برای تحقق عدالت و نجات بشریت مبارزه خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی این پژوهش را با استفاده از مدل پیش رو انجام خواهیم داد. همان‌طور که به آن اشاره شد، اخلاق دئونولوژیک، اخلاق پراگماتیستی و اخلاق آموزش سه زمینه‌ی اخلاقی موردنیاز در یک دانشگاه اخلاق مدار می‌باشند. در هر لحظه در یک گوشه از جهان افرادی وارد یک دانشگاه می‌شوند و هر دانشگاه دارای یک نظام اخلاق آموزشی است. نظامی که برنامه‌های اخلاقی مناسبی را در جهت ایجاد اخلاق دئونولوژیک در دانشجویان و به تبع آن ارتقای احساس مسئولیت تدوین می‌کند و در عمق وجود آن‌ها وجدان را پرورش می‌دهد. همچنین برنامه‌هایی که اخلاق پراگماتیستی را به دانشجویان آموزش داده و آن‌ها را با ضرورت اخلاق حرفه‌ای در مقابله با مسائل و تعارض‌های اخلاقی روز دنیا آشنا می‌سازد و به آن‌ها ضرورت عمل و مسئولیت مهم و خطیرشان را در قبال جهان خاطر نشان کرده و از آن‌ها یک متخصص متعهد و همچنین یک متعهد متخصص را در کنار هم می‌سازد و این افراد همان ارتش اخلاقی می‌باشند که سبب تعالی جامعه شده و در مرتبه‌ی بعد انسان‌های بهتری را به‌عنوان دانشجویان جدید به دانشگاه هدایت می‌کنند و دانشگاه نیز به‌عنوان یک آموزگار مهربان و یک قاضی عادل به وظایف خود در قبال آن‌ها عمل می‌کند.



شکل (۱) نتیجه‌گیری نهایی

دانشگاه‌ها با استفاده از نظریه‌ی دئونولوژی در اخلاق

همچنین بررسی نمونه‌هایی از مراکز اخلاقی برجسته‌ی دانشگاهی در جهان نیز نشان داد که آموزش اخلاق حرفه‌ای در تمامی کشورها امری ضروری است زیرا این امر سبب پیشرفت اخلاق در جهان هستی می‌شود و فعالیت‌هایی که در این راستا صورت می‌گیرد، می‌تواند به بهبود اخلاق نه‌تنها در یک کشور خاص بلکه در تمامی جهان کمک کند. در ادامه با توجه به مدل به‌دست‌آمده از نتیجه‌گیری پژوهش تعدادی پیشنهاد را در جهت ایجاد یک دانشگاه اخلاق مدار ارائه خواهیم کرد. ۱. آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان در ابتدای ورود به دانشگاه و برانگیختن احساس مسئولیت اخلاقی در آن‌ها. پیشنهاد می‌شود که درسی تحت عنوان اخلاق حرفه‌ای در ترم اول ورود به دانشگاه برای تمامی رشته‌ها برگزار شود تا دانشجویان تازه‌وارد با مسئولیت حساسشان در قبال جامعه آشنا کنند. این درس باید توسط اساتیدی با قدرت بیان بالا و شخصیتی کاریزماتیک ارائه شود زیرا علاقه‌مند شدن دانشجو به درس و هدف آن بسیار مهم است و پیشنهاد می‌شود که از درگیر کردن دانشجویان در مباحث با شیوه‌ی سقراطی استفاده شود. ۲. برگزاری کارگاه‌های عملی اخلاق حرفه‌ای. پیشنهاد می‌شود که این کارگاه‌ها به‌صورت اجباری برای دانشجویان و در جهت علاقه‌مند کردن آن‌ها به تعهد حرفه‌ای برگزار شود. هدف این است که با شبیه‌سازی محیط کار واقعی و استفاده از شیوه‌هایی نظیر بازی نقش^۱ احساس تعهد قوی و ارزش در افراد نسبت به حرفه‌ی خود در آینده ایجاد شود. این کارگاه‌ها باید در فضایی شاد برای تداعی احساس موفقیت و درعین‌حال در فضایی چالش‌برانگیز برای ایجاد آمادگی در افراد برای تحکیم احساس تعهد در شرایط سخت و مدیریت بحران برگزار شود. ۳. برگزاری کارگاه‌های معرفی مسائل اخلاقی روز دنیا. این کارگاه‌ها به معرفی مسائل و معضلات اخلاقی روز جهان از قبیل آسیب‌های محیط‌زیست، سلاح‌های کشتار جمعی، داروهای شیمیایی و هزاران مسئله‌ی اخلاقی موجود دیگر می‌پردازد که در صورتی که اساتید و دانشجویان با این موضوعات آشنا شده و به آن‌ها علاقه‌مند شوند، می‌توانند با تحقیق‌های نظری و یا ارائه‌ی پروژه‌های عملی در جهت مبارزه با این مسائل گام بردارند. ۴. برگزاری آزمون عملی بسیار جدی پیش از ارائه‌ی نمره و مدرک به دانشجویان.

^۱ Role Playing

پیشنهاد می‌شود که این آزمون در تمامی رشته‌ها و به صورت سخت‌گیرانه ترجیحاً در تمامی دروس تخصصی و یا در نهایت در زمان فارغ‌التحصیلی به صورت آزمون عملی متشکل از تمامی دروس تخصصی انجام شود و تا زمان آمادگی نداشتن افراد به آن‌ها مدرک اعطا نشده و جهت جلوگیری از خطر آفرینی به آن‌ها اجازه‌ی ورود به جهان واقعی کار داده نشود.

منابع

1. Almeder, R. (1983). "Scientific Progress and Peircean Utopian Realism". *Erkenntnis* (20): 253–280.
2. Bocheński, Józef(1965) "Analysis of authority." Pp. 162–73 in *The Logic of Religion*. New York: New York University Press.
3. Bok, Derek (1976). "Can Ethics Be Taught?" *Choice Magazine*. 8 (9): 26–30.
4. Brożek, Anna(2013) "Bocheński on authority." *Studies in East European Thought* 65(1):115–133.
5. Dewey, John (1922). "Human Nature and Conduct." Henry Holt, New York.
6. Flew, Antony(1979) "Consequentialism." Pp. 73 in *A Dictionary of Philosophy* (2nd Ed.). New York: St. Martin's.
7. Gudrais, Elizabeth (2007). "Ethics in Practice". *Harvard Magazine*.
8. Gülcan, Nur Yeliz(2014). "Discussing the importance of teaching ethics in education" *Faculty of Education, Girne American University, University Drive PO Box 5, Karaoglanoglu, Kyrenia via Mersin 10, Turkey*.
9. Hallak, J., & Poisson, M. (2005). *Ethics and corruption in education: an overview*. Journal.
10. Hertzke, Allen D.; McRorie, Chris (1998). "The Concept of Moral Ecology". In Lawler, Peter Augustine; McConkey, Dale (eds.). *Community and Political Thought Today*. Westport, CT: Praeger.
11. <https://ethics.harvard.edu>.
12. <https://ethicsinsociety.stanford.edu/-McCoy> Family Center for ethics in society.
13. <https://www.practicaethics.ox.ac.uk>- The Oxford Uehiro Centre for Practical Ethics.
14. Kant, Immanuel(1785) "Transition from the Common Rational Knowledge of Morals to the Philosophical." in *Groundwork of the Metaphysics of Morals*.
15. Kant, Immanuel(1797), Translated by Kingsmill Abbott, Thomas(2008) *The Metaphysical Elements of Ethics*, Arc Manor Publishers.
16. Kelly, Eugene(2006) *The Basics of Western Philosophy*. Greenwood Press. p. 160.
17. LaFollette, Hugh (2000). "Pragmatic ethics". In LaFollette, Hugh (ed.). *The Blackwell Guide to Ethical Theory*. Wiley-Blackwell. pp. 400–419.

-
18. Mill, John Stuart (1863). *On Liberty*. Boston: Ticknor and Fields. of Education for International Development, 1(1).
 19. Orend, Brian (2000) *War and International Justice: A Kantian Perspective*. West Waterloo, ON: Wilfrid Laurier University Press. p. 19.
 20. Scruton, Roger (2017). *On Human Nature* (1st ed.). Princeton. pp. 79–112.
 21. Waller, Bruce N (2005). *Consider Ethics: Theory, Readings, and Contemporary Issues*. New York: Pearson Longman. p. 23.